

با انتشار ابعاد جدید رسوایی اپستین پای سیاستمداران دو حزب اصلی آمریکا، سوپرسرمایه‌دارها و برخی اندیشمندان هم به این ماجرا باز شد

جزیرهٔ آدم‌خوارها



علی ملکی خبرنگار گروه سیاست

جفری اپستین مرده و جزیره اسرارآمیزش متروکه شده؛ اما روزه روزه تعداد مسافراتش اضافه می‌شود. در فایل‌های جدید منتشرشده توسط وزارت دادگستری آمریکا، عکس‌های جنجالی ازبیل کلینتون درجکوزی و استخر کنار غلیبن مکسول، شریک فسادهای اپستین دیده می‌شود. پرنس اندرو در عکسی روی پاهای پنج نفر دراز کشیده و مکسول با لبخند به او نگاه می‌کند. همچنین تصاویری از اپستین در کنار مایکل جکسون، خواننده مشهور پاپ، بیل گیتس، مؤسس مایکروسافت و نوام چامسکی، متفکر

دونالد ترامپ؛ مشتری ثابت



ترامپ و اپستین از اواخر دهه ۱۹۸۰ دوست نزدیک بودند. ترامپ سال ۲۰۰۲ اپستین را «آدم فوق‌العاده‌ای» خوانده و گفته بود بسیاری از زنان مورد علاقه اپستین «جوان‌تر» هستند. اسناد نشان می‌دهند سال ۱۹۸۹، ترامپ با اپستین و دختران جوان –که حداقل یکی از آن‌ها زیر سن قانونی بود– به کازینویش رفتند. ترامپ به مدیر کازینو گفت «جفری آن‌ها را جوان دوست دارد». در دهه ۱۹۹۰، ترامپ حداقل هفت بار با هوایپمای خصوصی اپستین پرواز کرد و دو سال بعد در مار–آ–لاگو (عمارت و بنایی تاریخی در پام بیچ، فلوریدا) با هم دیده شدند. اپستین در عروسی ترامپ در سال ۱۹۹۳ با مارلا میلیز حضور داشت. در ۱۹۹۴، اپستین دختری ۱۴ ساله را به مار–آ–لاگو برد و به ترامپ گفت: «این یکی خوب است، نه؟» و ترامپ لبخند زد. در اواسط تا اواخر دهه ۱۹۹۰، ترامپ حداقل هفته‌ای سه بار با اپستین حرف می‌زد و مرتب به دفتر او می‌رفت. رابطه این دو در ۲۰۰۴ بر سر خرید عمارتی در «پالم بیچ» قطع شد.

ایهود باراک؛ قربانی نتانیاهو



پرونده مربوط به ایهود باراک، نخست‌وزیر اسبق اسرائیل ملموس‌ترین فرضیه صهیونیستی بودن پرونده اپستین را تقویت می‌کند. باراک، بیش از یک دهه با جفری اپستین رابطه نزدیک داشت. این رابطه از ۲۰۰۵ تا حداقل ۲۰۱۷ ادامه یافت. ایمیل‌های فاش شده نشان می‌دهد باراک در عمارت‌های اپستین در نیویورک (از جمله ملک خیابان ۶۶ شرقی که بعداً متهم به نگهداری قربانیان شد) اقامت داشت و در ۲۰۱۵ از اپستین برای میزبانی تشکر کرد. او جلساتی با اپستین، لری سامرز، آلن درشوویتز و دیگران ترتیب داد و گاهی پیام‌هایی از طریق اپستین منتقل می‌کرد. همسر باراک، نیلی پریل نیز با اپستین مکاتبه داشت و در ۲۰۰۸ از او مشاوره قراردادی برای شرکت مشاوره‌اش گرفت که بعداً به دلیل مسائل اخلاقی تعطیل شد. باراک در ۲۰۱۹، هم‌زمان با اتهامات قاچاق جنسی اپستین، برای نخست‌وزیری نامزد شد اما نتانیاهو از عکس‌های او در ملک اپستین برای حمله سیاسی استفاده کرد و کمپین او شکست خورد.

مایکل جکسون؛ شکارچی کودکان



مایکل جکسون، «پادشاه پاپ»، چهره‌ای تاریک و رسوا در اتهامات آزار جنسی کودکان داشت که سال‌ها تعقیبش کرد. از ۱۹۹۳، جردن چندلر (۱۳ ساله) او را متهم به آزار کرد و جکسون به او ۲۳ میلیون دلار حق‌السکوت داد. در ۲۰۰۵، گاوین آروویو و دیگران ادعای آزار در نورلند (محل زندگی جکسون) را مطرح کردند؛ هر چند دادگاه مایکل را تبرئه کرد، اما گزارش پلیس از کشف پورنوگرافی، کتاب‌های برهنگی کودکان و شواهد رفتار مشکوک، حکایت از یک پرونده کودک‌آزاری سنگین داشت. دادگاه تجدیدنظر کالیفرنیا در ۲۰۲۳ پرونده علیه شرکت‌های جکسون را با این استدلال که کارکنانش در تسهیل آزار نقش داشتند احیا کرد. در فایل‌های اپستین، عکس‌های جکسون کنار اپستین و کلینتون، او را در حلقه افراد حاشیه‌دار جنسی جزیره اپستین قرار می‌دهد و یادآور پرونده‌های سیاه گذشته است. تعدد اخبار کودک‌آزاری مربوط به مایکل جکسون باعث شده بسیاری او را «شکارچی کودکان» بدانند.

بیل گیتس؛ طلاق به‌خاطر اپستین



بیل گیتس، بنیان‌گذار مایکروسافت از سال ۲۰۱۱ با جفری اپستین چندین بار دیدار کرده است. عکس‌های جدیدمنتشرشده از مجموعه فایل‌های اپستین، گیتس را در کنار پرنس اندرو (که متهم به سوءاستفاده جنسی بود) و یک خلبان اپستین نشان می‌دهد. در ۲۰۱۳ گیتس با هوایپمای خصوصی اپستین به فلوریدا پرواز کرد و در ۲۰۱۴ دو میلیون دلار به آزمایشگاه‌رسانه MIT اهدا کرد که از اپستین گرفته بود. گیتس بعداً این دیدارها را «قصاوت اشتباه» خواند و گفت هیچ دوستی با رابطه تجاری با اپستین نداشته و پس از عدم تحقق وعده‌های مالی، ارتباط را قطع کرد. باین حال «ملیندا گیتس» همسر سابق بیل گیتس گفته این دیدارها یکی از عوامل طلاقشان در ۲۰۲۱ بود و اپستین را «شر مطلق» توصیف کرد.

ایلان ماسک؛ دسامبر ۲۰۱۴...



تله‌های پروژه اپستین آن‌قدر هوشمندانه بوده که حتی فرد باهوش و ثروتمندی چون ایلان ماسک را نیز شکار کرده است. نام ماسک نیز در فایل‌های اپستین آمده است. در یادداشت دفتر اپستین (دسامبر ۲۰۱۴)، نوشته شده: «یادآوری: ایلان ماسک به جزیره - آیا اتفاق می‌افتد؟» ماسک ادعا کرد دعوت را رد کرده و هرگز به جزیره نرفته، اما اعتراف کرد خانه اپستین در نیویورک را بازدید کرده و اپستین بارها سعی داشت او را به جزیره ببرد. در ۲۰۱۴، ماسک کنار گیلین مکسول (شریک جرم اپستین و محکوم به تسهیل قاچاق جنسی) در مهمانی «اسکار وینیتی فیر» عکس انداخته است. در ۲۰۱۵، سلطان احمد بن سلایم (مدیرعامل اماراتی و شریک تجاری ترامپ) از اپستین خواست ماسک را به او معرفی کند. اپستین و سلایم ده‌ها ایمیل ردوبدل کردند و سلایم بارها درخواست بازدید از جزیره اپستین را داشت. این ارتباطات، ماسک را در شبکه فاسد اپستین قرار داده است.

جمع فاسدان جمع است

در فایل‌های منتشرشده جفری اپستین در دسامبر ۲۰۲۵، علاوه بر چهره‌های مذکور، نام و تصاویر افراد سرشناس دیگری نیز دیده می‌شود که اغلب در عکس‌های مهمانی‌ها، ایمیل‌ها یا پروازهای اپستین حضور دارند. کریس تاکر، بازیگر معروف فیلم‌های اکشن، در عکس‌هایی کنار بیل کلینتون و در هوایما با غلیبن مکسول دیده شده است. ریچارد براونسون،

آمریکایی نیز منتشر شده تا این پرونده عجیب‌تر از آن چیزی باشد که تصور می‌شود. ماجرا از جایی آغاز شد که در سال ۲۰۰۵، والدین دختری ۱۴ ساله در پالم بیچ فلوریدا به پلیس شکایت و ادعا کردند جفری اپستین، سرمایه‌دار مرموز، دخترشان را در عمارتش مورد آزار جنسی قرار داده است. پلیس در بازرسی از خانه، هزاران عکس از دختران نوجوان و شواهد متعدد را کشف کرد. این اسناد نشان می‌داد اپستین سال‌ها دختران زیر سن قانونی را با وعده پول و فرصت، جذب و از آن‌ها سوءاستفاده می‌کرد. تحقیقات FBI نشان داد آن‌ها با یک مورد خاص رویه‌رو نیستند؛ در برابر آن‌ها شبکه گسترده اغفال دختران قرار داشت. اپستین در ۲۰۰۸ فقط به اتهامات سبک محکوم شد و ۱۳ ماه زندان با مرخصی روزانه گذراند. در ۲۰۱۹، اتهامات

بیل کلینتون؛ رسوایی علیه خانواده



بیل کلینتون سابقه طولانی پرواز با هوایپمای خصوصی جفری اپستین و بازدید از جزیره خصوصی او را دارد. او همیشه تأکید داشته که هیچ ارتباطی به این پرونده ندارد اما اسناد تازه منتشر شده چیز دیگری می‌گویند. در این اسناد، کلینتون بدون پیراهن در جکوزی و در حال شنا در استخر کنار مکسول و یک زن با چهره سانسور شده است. همچنین عکس‌هایی از او در کنار مایکل جکسون و دایانا راس دیده می‌شود. عکسی دیگر کلینتون را بازو به بازوی اپستین در یک ضیافت شام نشان می‌دهد. کلینتون در رسوایی جنسی سابقه‌دار است. در اواخر دهه ۱۹۹۰ رسوایی بزرگ او و مونیکا لونسکی، کارآموز ۲۲ ساله کاخ سفید رخ داد. رابطه جنسی کلینتون با این کارآموز در ۱۹۹۸ افشا شد. کلینتون ابتدا رابطه را انکار کرد اما بعداً ناچار به اعتراف شد. هیلاری کلینتون، همسر بیل در مصاحبه‌ها و کتاب خاطراتش (تاریخ زنده) توضیح داد که در مواجهه با این رسوایی ابتدا شوکه و خشمگین شد، اما به خاطر دخترشان طلاق نگرفت.

استیون هاوکینگ؛ کنفرانس علمی یا...



ظاهرشدن نام استیون هاوکینگ، فیزیکدان معروف بریتانیایی در پرونده اپستین یکی از عجیب‌ترین موارد این پرونده بود. طبق گزارشات، هاوکینگ در مارس ۲۰۰۶ به جزیره خصوصی اپستین رفته بود، اما نه برای عیاشی، بلکه به‌عنوان بخشی از یک کنفرانس علمی گران‌قیمت در جزیره همسایه سنت توماس که هم‌زمانش توسط اپستین پرداخت شده بود. در این سفر، هاوکینگ همراه ۲۰ دانشمند دیگر حضور داشت و حتی سوار زیردریایی سفارشی اپستین شد. ورق زمانی عیال هاوکینگ برگشت که ویرجینیا جوفری، از قربانیان پرونده جنسی اپستین، ادعا کرد که هاوکینگ در فعالیت‌های جنسی‌سی زیر سن قانونی دست داشته است. براین اساس، ایمیل اپستین به گیلین مکسول در ۲۰۱۵ منتشر شده که در آن اپستین از مکسول می‌خواهد به هر کسی که بتواند ادعاهای جوفری را رد کند پاداش می‌دهد.

نوام چامسکی؛ سرسفره فساد



نوام چامسکی، منتقد سرسخت قدرت و سرمایه‌داری هم‌در رسوایی بزرگ اپستین گرفتار شده است. اسناد منتشر شده نشان می‌دهد که او ارتباط نزدیکی با جفری اپستین داشته است. ایمیل‌های فاش شده نشان می‌دهد چامسکی از ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶ مرتب با اپستین مکاتبه داشت، دیدار خصوصی با ایهود باراک را از طریق او ترتیب داد و حتی در ۲۰۱۸ از اپستین کمک مالی گرفت تا ۲۷۰ هزار دلار برای همسرش را منتقل کند. مستندات نشان می‌دهد چامسکی و همسرش در مهمانی‌های اپستین شرکت می‌کردند؛ شامی باوودی آلن (متهم به آزار جنسی) خورده‌اند و با استیوینن، ایدئولوگ راست افراطی عکس یادگاری گرفته‌اند. این در حالی است که چامسکی سال‌ها از نخبگان فاسد انتقاد می‌کرد، اما خودش در حلقه اپستین که نماد فسادنخبگان است، غوطه‌ور بود. پس از گزارش میامی هرالدر باره قربانیان زیر سن قانونی اپستین، چامسکی ارتباط را قطع کرد، اما اپستین هنوز سعی داشت از نام او برای سفیدسازی تصویرش استفاده کند.

تام باراک؛ «عکس بچه را بفرست»



تام باراک، املاک‌ی سابق و دوست نزدیک دونالد ترامپ و فرستاده او در سوریه، در حالی اخیراً در سفرش به لبنان رفتار خبرنگاران لبنانی را «حیوانی» توصیف کرده بود، در رسوایی پرونده اپستین گرفتار شده است. ایمیل‌های فاش شده نشان می‌دهد باراک در ۲۰۱۶ با اپستین که محکومیت جنسی داشت و جرایمش علنی بود، مکاتبه نزدیک داشت. در یکی از ایمیل‌ها، اپستین از باراک می‌خواهد: «عکس خودت و بچه را بفرست. لبخند به لبم بیاور.» پیامی که به کودکی اشاره دارد و هیچ توضیحی برای آن ارائه نشده. این مکاتبه پس از آن بود که اپستین به باراک گفته بود در باره دوستی‌اش با ترامپ «تماس‌های زیادی» دریافت کرده اما به آن‌ها پاسخ نداده است.

پرنس اندرو؛ واسطه فساد جنسی در بریتانیا



پرنس اندرو، عضو سابق خانواده سلطنتی بریتانیا، در بزرگ‌ترین رسوایی زندگی‌اش با اپستین و گیلین مکسول غرق شد. عکس‌های فاش شده نشان می‌دهد اندرو چگونه این مجرم‌ان را به قلب جامعه اشرافی بریتانیا راه داد. شکار با اپستین، نشستن کنار مکسول در جعبه سلطنتی آسکات و عکسی در سندرنیگهام که اندرو در آغوش ۵ نفر دراز کشیده است.

در ۲۰۱۹، اندرو مجبور به کناره‌گیری از مسئولیت‌های سلطنتی شد اما گفت از دوستی با اپستین «پشیمان نیستم». در ۲۰۲۲، میلیون‌ها پوند به ویرجینیا جوفری –بنای اپستین که ادعا کرد اندرو سه بار به او تجاوز کرده– پرداخت کرد اما همچنان حاضر به پذیرش اتهاماتش نبود. مستندات اندرو را به‌عنوان تسهیل‌کننده دسترسی اپستین به نخبگان بریتانیا نشان داد و اعتبارش را برای همیشه نابود کرد و در نهایت چارلز در اکتبر ۲۰۲۵ عنوان‌های سلطنتی اندرو را سلب کرد.

مشهور طبق ایمیل‌ها و عکس‌ها با اپستین مرتبط بودند. سارا فرگوسن، همسر سابق پرنس اندرو و دوشس یورک، کرین اسپسبی بازیگر مهم‌ها در آزار جنسی و دیانا راس خواننده مشهور نیز در تصاویر مهمانی دیده می‌شوند. وزارت دادگستری اعلام کرده طی هفته‌های آینده اسناد کامل را منتشر خواهد کرد. باید دید آیا پرونده از چیزی که هست، پیچیده‌تر خواهد شد؟

بازگشت به اوراسیا؛ تلاش تهران برای سهم گمشده

ادامه از صفحه یک

علاوه بر تهدید امنیتی اسرائیل، حضور ایالات متحده و شخص دونالد ترامپ نیز سایه سنگینی بر این منطقه انداخته است. ترامپ با نگاهی تاجر مآبانه و درعین حال استراتژیک، به‌خوبی می‌داند که آسیای مرکزی گنجینه‌ای از عناصر کمیاب مانند اورانیوم و لیتیم است؛ موادی که سوخت رقایت‌های قرن بیست‌ویکم را تأمین می‌کنند. طرح دیدار پنج‌جانبه رؤسای جمهور آسیای مرکزی با رئیس‌جمهور آمریکا و وعده‌های واشنگتن برای حضور پرنس‌تر، نشان می‌دهد کاخ سفید قصد دارد از این منطقه به‌عنوان اهرمی دوگانه برای مهار هم‌زمان چین و روسیه و البته تنگ‌تر کردن حلقه محاصره ایران استفاده کند. در چنین فضایی، انفعال تهران به معنای واگذاری زمین بازی به کسانی است که موجودیت ایران قدرتمند را برنمی‌تابند. هم‌زمان، ترکیه نیز باتکیه‌بر ایدئولوژی پان‌ترکیسم و سازمان کشورهای ترک‌زبان، در حال ساختن یک کریدور هویتی و اقتصادی از مدیترانه تا مرزهای چین است. آنکارا با هوشمندی از ابزارهای نرم و دیپلماسی عمومی استفاده می‌کند، درحالی‌که ایران با وجود عمق تمدنی بی‌نظیر، در ترجمه این سرمایه تاریخی به نفوذ سیاسی و اقتصادی دچار لکنت بوده است.

در آسیب‌شناسی روابط ایران با آسیای مرکزی، نمی‌توان تمام تقصیر را به‌کردن توطئه‌های خارجی و مسائل بیرونی انداخت. بخش بزرگی از ناکامی‌ها ریشه در ساختار تصمیم‌گیری و اجرایی داخلی دارد. اعضای ۸ سند همکاری در سفر اخیر پزشکیان به قزاقستان خبر خوبی است؛ اما تاریخ روابط دو کشور مملو از اسناد همکاری است که هرگز اجرایی نشده‌اند. رؤسای جمهور پیشین دو کشور بارها از هدف‌گذاری تجارت ۵ میلیاردلاری سخن گفته‌اند؛ اما واقعیت میدانی عددی فرا تر از ۵۰۰ میلیون دلار را نشان نمی‌دهد. این شکاف عظیم میان سیاستمداری عالی و واقعیت میدانی، ناشی از ناکارآمدی لایه‌های میانی دولت و فقدان استراتژی تجماری منسجم است. در دولت‌های یازدهم و دوازدهم، نگاه دکماتیک و تمرکز بیش از حد بر غرب و برجام، باعث شد ظرفیت‌های شرق و همسایگان شمالی عملاً نادیده گرفته شود. آن غفلت تاریخی باعث شد تجار و دولتمردان آسیای مرکزی، ایران را شریکی غیرقابل اتکا ببینند و مسیرهای جایگزین را از طریق ترکیه یا کریدور میانی که ایران را دور می‌زند، انتخاب کنند. دولت شهید رئیسی تلاش کرد با سیاست همسایگی، این عقب‌ماندگی را جبران کند و اکنون پزشکیان وارث این تلاش ناتمام است. اما سؤال اصلی اینجاست که آیا دولت چهاردهم می‌تواند از دام سندنویسی عبور کند و به پروژه محوری برسد؟

تهران باید درک کند برای بازیابی نفوذ خود، دیگر نمی‌تواند صرفاً به شعارهای تمدنی و تاریخی تکیه کند. زبان امروز دنیا، زبان اقتصاد و اتصال است. پزشکیان باید سیاست خارجی بازتری را در آسیای مرکزی به نمایش بگذارد که در آن، ایران نه یک بازیگر ایدئولوژیک منزوی، بلکه چهارراه حیاتی منطقه است. توسعه کریدور بین‌المللی شمال – جنوب و فعال‌سازی واقعی مسیر ریلی قزاقستان – ترکمنستان – ایران، شاه‌کلید این استراتژی است. قزاقستان برای صادرات غلات و مواد معدنی خود به آب‌های آزاد نیاز مبرم دارد و ایران کوفته‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیر است. اتصال منافع اقتصادی همسایگان شمالی به خاک ایران، بهترین تضمین امنیتی است. وقتی شریان حیاتی تجارت قزاقستان و ترکمنستان از ایران بگذرد، نفوذ اسرائیل یا آمریکا نمی‌تواند به‌سادگی امنیت ایران را خدشه‌دار کند، زیرا امنیت ایران با امنیت اقتصادی آن‌ها گره‌خورده است. اما این مهم نیازمند نوسازی زیرساخت‌های فرسوده ترانزیتی و البته تسهیل قوانین گمرکی است که اغلب در پیچ‌وخم بوروکراسی تهران گیر می‌کنند. علاوه بر ترانزیت، دیپلماسی انرژی نیز ابزار قدرتمند دیگری در دست تهران است. احیای سوئاپ گازی و نفتی، نه تنها وابستگی متقابل ایجاد می‌کند، بلکه ایران را به هاب انرژی منطقه تبدیل می‌سازد. در این میان، بخش خصوصی و لایه‌های میانی باید فعال شوند، اینکه تجار ایرانی برای تبادلات مالی مجبور باشند از دبی یا ترکیه اقدام کنند، یک شکست راهبردی است. تهران باید مکانیسم‌های مالی دوجانبه و مستقل از دلار را با این کشورها توسعه دهد تا تحریم‌های غرب نتواند مانعی بر سر راه تجارت همسایگان باشد. در حوزه فرهنگی نیز رویکرد ایران نیازمند بازنگری جدی است. رقابت با ترکیه در حوزه نفوذ فرهنگی دشوار است؛ اما ایران می‌تواند به‌جای تمرکز بر جنبه‌های صرفاً ایدئولوژیک که ممکن است حساسیت‌زا باشد، بر اشتراکات عمیق ادبی، علمی و دانشگاهی تمرکز کند. ارائه بورسیه‌های تحصیلی، همکاری‌های فنی – مهندسی و حضور شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی در بازارهای بکر آسیای مرکزی، می‌تواند چهره‌ای مدرن و کارآمد از ایران به نمایش بگذارد. بنابراین باید گفت تحولات اخیر و سفر پزشکیان نشان می‌دهد ایران در یک دوره‌ای سرنوشت‌ساز قرار دارد. اگر تهران نتواند در این مقطع حساس، جایگاه خود را در آسیای مرکزی تثبیت کند، برای همیشه از معادلات این منطقه حذف خواهد شد و تنها نظاره‌گر حضور رقبای خود در حیاط خلوت تاریخی‌اش خواهد بود. این منطقه در حال گذار است؛ از یک منطقه حاشیه‌ای به قلب تحولات ژئواکونومیک جهان. حضور پوپتین، نگاه خیره ترامپ، فعالیت‌های خرنده اسرائیل و تکاپوی ترکیه، همگی نشانه‌هایی از اهمیت این بازی بزرگ جدیدند. ایران پتانسیل و استحقاق آن را دارد که بازیگر اصلی این میدان باشد؛ اما این استحقاق تنها با دیپلماسی عمل‌گرا، تمرکز بر منافع اقتصادی مشترک و پرهیز از شعارزدگی محقق می‌شود. هر روز تعلل در فعال‌سازی ظرفیت‌های ترانزیتی و اقتصادی، به معنای پیش‌روی بیشتر رقبا و تنگ‌تر شدن حلقه محاصره امنیتی علیه ایران است. امروز وقت آن است که تهران با عزمی راسخ، میراث تمدنی خود را با ابزارهای مدرن قدرت احیا کند، پیش از آنکه دروازه‌های آسیای مرکزی به روی آن بسته شود.

فرهیختگان

فرهیختگان

یکشنبه ۱۴۰۴ آذر ۱۳
شماره ۴۵۸۷
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE